

تأثیر نقش مفهومی انقلاب اسلامی بر هویت خواهی شیعیان یمن با تأکید بر جنبش الحوثی

محسن نصر اصفهانی^۱

چکیده

بیداری اسلامی در جهان اسلام یکی از مهم‌ترین رویدادهایی است که به‌ویژه در دهه اخیر در منطقه خاورمیانه عربی بسیاری از کشورهای منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است. به‌نحوی که کشورهای مسلمان که عمدتاً تحت حاکمیت نظام‌های استبدادی و پادشاهی اداره می‌شدند با خیزش‌های مردمی با هویت و نشانگان فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی روبه‌رو شدند. در این میان کشور یمن به دلایل تاریخی و فرهنگی در بین کشورهای جهان اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و با حرکت‌های بیداری اسلامی در منطقه این کشور نیز دستخوش ناآرامی‌ها گردیده است. از طرف دیگر انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد قرن بیستم در سطح منطقه و جهان از ابتدای پیروزی به اشکال مختلف کشورهای اسلامی در منطقه را به‌شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیرگذاری در عواملی مختلفی ریشه دارد که بخش قابل توجهی از آن به عوامل معنایی و هویتی بازمی‌گردد. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر این هست که عوامل معنایی و هویتی انقلاب اسلامی چه نقشی در هویت خواهی شیعیان یمن داشته است؟ (مسئله). روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اینترنتی هست (روش). در حالیکه بسیاری از تحلیل‌ها به عواملی چون سیاسی، نظامی، امنیتی، تاریخی و ژئوپلیتیک در بحران یمن اشاره دارد به نظر می‌رسد که هویت خواهی شیعیان یمن ریشه در ساختار معنایی و نقش محتوایی انقلاب اسلامی که شامل عواملی چون احیای اسلامی، عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، بازتولید فرهنگ مقاومت و مقابله بانفوذ بیگانگان و سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران دارد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: عوامل معنایی، مقاومت، هویت، انقلاب اسلامی، یمن

۱. استادیار گروه معارف، دانشگاه پیام نور، ایران.

 <https://orcid.org/0000-0001-6443-8915>

مقدمه

بیداری اسلامی به طور غیرمنتظره‌ای از اواخر سال ۲۰۱۰ با تظاهرات مسالمت‌آمیز در تعدادی از کشورهای عربی علیه رژیم‌های پادشاهی و دیکتاتوری دیرپا، ریشه‌دار و سنتی با تغییرات سیاسی سریع در سراسر منطقه شکل گرفت. در نتیجه این اعتراضات گسترده که از تونس و با مطالبات اقتصادی و سپس مطالبات سیاسی و اجتماعی در سایر کشورها شکل گرفت تعدادی از رژیم‌های دیکتاتوری سقوط کردند (تونس، لیبی، مصر، یمن) و پایه‌های بسیاری از آنها نیز متزلزل گردید (بحرین، مغرب، اردن و ...).

از زمان وقوع این رویدادها تاکنون تحلیل‌های بسیاری درباره چرایی و چگونگی علل وقوع این جنبش‌ها صورت گرفته است. برخی به نقش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی در وقوع این جنبش‌ها اشاره کرده‌اند (Benkirane, 2012; Norris, 2012; Wolfsfeld et al; 2013, Gire, 2017). برخی دیگر نیز بر انگیزه‌های اقتصادی (Ansani & Daniele, 2012; Campante & Chor, 2012)، عوامل ژئوپلیتیکی (پورقیومی، ۱۳۹۴)، ساختار سیاسی (Dalacoura, 2012)، عوامل تاریخی (Zakaria, 2012) و غیره اشاره کرده‌اند.

بسیاری از نویسندگان و محققان نیز بر نقش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی بر انقلاب‌های اخیر خاورمیانه و شمال افریقا اشاره کرده‌اند (صابری، ۱۳۹۷؛ تلاشان و نصردهزیری، ۱۳۹۳؛ رنجکش، ۱۳۹۸؛ سوری و احمدی، ۱۳۹۱؛ پرتویی و همکاران، ۱۳۹۲؛ اطهری و همکاران، ۱۳۹۲؛ عباسی، ۱۳۹۱). از این دیدگاه میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این جنبش‌ها یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجه تأثیرگذاری آن متفاوت بوده است (اخوان کاظمی و شکرانه ارزنتقی، ۱۳۹۹: ۴۹).

در این میان کشور یمن به دلایل تاریخی و فرهنگی در بین کشورهای جهان اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و با حرکت‌های بیداری اسلامی در منطقه این کشور نیز دستخوش ناآرامی‌ها گردیده است. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر این هست که عوامل معنایی و هویتی انقلاب اسلامی چه نقشی در هویت‌خواهی شیعیان یمن داشته است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که هویت‌خواهی شیعیان یمن ریشه در ساختار معنایی و نقش محتوایی انقلاب اسلامی که شامل عواملی چون احیاءگری اسلامی، عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و

استعمار، بازتولید فرهنگ مقاومت و مقابله بانفوذ بیگانگان و سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران دارد که در این پژوهش به‌طور مفصل این عوامل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

پیشینه تحقیق

شکرزاده چهاربرج و جعفری فر (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن» نشان داد که با وقوع انقلاب اسلامی ایران روح تازه‌ای بر جنبش‌های شیعی یمن دمیده شد و آن‌ها با الگوبرداری از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیروی از ارزش‌های انقلاب اسلامی بر ژئوپلیتیک شیعیان افزوده‌اند. از همین رو، نگرانی‌هایی نیز از سوی برخی کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان از تأثیر انقلاب اسلامی بر یمن باعث شده است تا این کشور به دخالت در امور داخلی یمن به‌صورت نرم و سخت مبادرت ورزد.

قاسمی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در یمن براساس نظریه پخش» نشان داد که افزایش ظرفیت مقاومت مردمی و انصار الله، رویکرد اسلام‌گرایی سیاسی ریشه در بازتاب انقلاب اسلامی دارد. الگوگیری گروه‌هایی مثل انصارالله و نهضت‌های اسلامی از انقلاب اسلامی، مقاومت و ایستادگی در مقابل منافع قدرت‌های بزرگ، به‌خصوص عربستان از مهم‌ترین شواهد عینی پخش و تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی است.

رنجکش (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های بیداری اسلامی با تأکید بر مفهوم اشاعه سازه‌انگاری» یکی از بارزهای انقلاب اسلامی را احیاء مفاهیم ناب الهی - انسانی در چارچوب آموزه‌های دین مبین اسلام می‌داند. از نظر وی این احیاگری که به‌نوعی نشأت گرفته از مطالبات مردمی به شمار می‌رود، محدود به تنگناهای زمانی و مکانی جامعه ایرانی نمانده و به علت غنای محتوایی و معنایی خود، در چارچوبه‌های جغرافیایی یا زمانی دیگر نیز بازتاب پیدا نموده است. از دیدگاه وی بر مبنای مفهوم اشاعه، تأثیرپذیری جنبش‌های بیداری اسلامی از مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارهای انقلابی و اسلامی ایران به‌صورت خودجوش و به‌مثابه الگویی از حکومت دینی - اسلامی بوده است.

مشهودی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آثار انقلاب اسلامی ایران بر موج سوم بیداری اسلامی (مطالعه موردی مصر و یمن)» به این نتیجه دست یافتند که موج بیداری اسلامی پایه‌های حکومت‌های موروثی و استبدادی و دست‌اندازی قدرت‌های بیگانه را

هدف قرار داده و فریادهای آزادی خواهانه سراسر منطقه از تجربه موفق جمهوری اسلامی الهام گرفته است.

الفی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در پایداری و پویایی فرآیند تکاملی بیداری اسلامی و تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه» به این نتایج دست یافته است که انقلاب اسلامی با بازآفرینی ارزش‌ها و آگاهی‌های دینی در جامعه اسلامی، ایجاد اعتماد به نفس، تقویت روحیه ضد استکباری، فراهم‌سازی وحدت اسلامی و با القای روحیه اقدام و در کنار آن، حمایت همه‌جانبه از نهضت‌های اسلامی توانست این جریان را هدایت و آن را هدفمند و پر قدرت‌تر از گذشته برای هدف نهایی که همان تعالی مادی و معنوی مسلمانان است به پیش ببرد.

عباسی و گلچین (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری» نشان دادند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران سبب هویت‌یابی و خودآگاهی، رشد و ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی و همچنین گسترش فعالیت شیعیان باهدف دست‌یابی به حقوق سیاسی و اجتماعی در قالب جنبش‌ها و احزاب شیعی، در یمن شده است.

ناظمی اردکانی و نجات پور (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه» به بررسی تأثیر و چگونگی الهام‌بخشی انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه پرداخته‌اند. از دیدگاه آن‌ها با وقوع جنبش‌های مردمی در خاورمیانه، اندیشمندان داخلی و خارجی زیادی، به ظرفیت‌های الگوی انقلاب اسلامی ایران در راستای الهام‌بخشی به جریان‌های اخیر پرداخته‌اند. آن‌ها انقلاب اسلامی ایران را نقطه آغازی برای خیزش و احیای بیداری اسلامی می‌دانند. در واقع بیان می‌کنند که آنچه امروز می‌توان عبارت بیداری اسلامی را بر آن اطلاق نمود، ناشی از نهضت احیاگرانه امام خمینی (ره) است.

تلاشان و نصر دهنری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس» نشان دادند که اسلام‌خواهی و مطرح‌شدن اسلام در قالب عامل بازدارنده در برابر منافع استعماری قدرت‌های بزرگ، استکبارستیزی و اوج‌گیری اندیشه ضد صهیونیستی در سطح منطقه و نیز شکل‌گیری، تقویت و الگو برداری گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان از حوزه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران برشمرد.

سوری و احمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی»

نشان دادند که انقلاب اسلامی نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملل مسلمان ایفا کرده است. از دیدگاه آن‌ها انقلاب اسلامی به شکل عملی و عینی، جوامع اسلامی را از انزوا و سکوت خارج کرد و انرژی آزادشده از آن به‌عنوان موتور محرکه همه تحرکات و خیزش جریان‌ها و جنبش‌های از یکسو مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خودآگاه کرد و از سوی دیگر طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را ابطال کرد و این مسئله خود «جسارت و اعتمادبه‌نفس» را به ملت‌های مسلمان بازگرداند.

عباسی اشلقی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بازتاب‌های معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه» نشان داد که انگاره‌های اصلی در گفتمان کلی انقلاب اسلامی را می‌توان در مجموعه مفاهیم غالب در جنبش‌های اسلام‌گرای گوناگون مورد پیگیری و مطالعه قرار داد. این وضعیت باعث شده تا انقلاب اسلامی ایران در تحول دشمن‌انگاری غرب از کمونیسم به اسلام‌گرایی و ایجاد گفتمان رقیب در مقابل لیبرال دموکراسی از نقشی محوری برخوردار گردد؛ گفتمانی که پیامدهای معناگرایانه آن را می‌توان در بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه مشاهده نمود.

بررسی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند که هرچند این مطالعات به‌نوعی به موضوع پژوهش حاضر پرداخته‌اند اما هیچ‌کدام به‌طور کامل به تأثیر نقش مفهومی و محتوای معنایی انقلاب اسلامی بر هویت‌خواهی شیعیان یمن نپرداخته‌اند؛ بنابراین از نکات بدیع پژوهش حاضر این است که هویت‌خواهی شیعیان یمن را براساس ساختار معنایی و نقش محتوایی انقلاب اسلامی که ریشه در عواملی چون احیای اسلامی، عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، بازتولید فرهنگ مقاومت و مقابله بانفوذ بیگانگان و سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران دارد مورد بررسی قرار داده است.

یمن و بیداری اسلامی

انقلاب‌های عربی (بیداری اسلامی) یک جنبش اعتراضی مسالمت‌آمیز بزرگ است که در سال ۲۰۱۰ با خودسوزی محمد بوعزیزی و کناره‌گیری زین‌العابدین بن‌علی رئیس‌جمهور تونس آغاز شد و سپس به بسیاری از کشورهای عربی دیگر مانند مصر، لیبی، سوریه، سودان، الجزایر و یمن گسترش یافت (Al-Tamimi & Venkatesha, 2020: 59). در این میان، یمن به‌عنوان

فقیرترین کشور جهان عرب، از بسیاری جهات دنیای کوچکی است که در آن تنش‌ها، چالش‌ها و امیدهای خاص کل جهان عرب در آن جمع شده است. فقر، خشونت، قبیله‌گرایی، فقدان امنیت شخصی، فساد دولتی، رقابت بین نخبگان، مداخله بین‌المللی، تنش‌های بین شیعه و سنی، بنیادگرایی و تروریسم، همگی بخشی از ویژگی‌ها و واقعیت پُره‌رج و مرج یمن قبل از شروع بیداری اسلامی در این کشور بود (Kronenfeld & Guzansky, 2014: 79). طی سال‌ها، این مشکلات حل نشده با اقدامات رئیس‌جمهور علی عبدالله صالح تشدید شد که در طول حکومت ۳۳ ساله‌اش یک نظام سیاسی تفرقه‌انگیز و متضاد را پرورش داده و حفظ کرد تا خود را به عنوان تنها عنصری که می‌تواند کشور را یکپارچه نگه دارد، بسازد (Hill et al, 2013). در ابتدا، معترضان علیه پیشنهاد اصلاح قانون اساسی و اقتصاد ضعیف کشور و نرخ بالای بیکاری تظاهرات کردند. باین حال، عدم پاسخگویی دولت به مطالبات منجر به رشد بیشتر اعتراضات شد. بدین ترتیب قبل از رسیدن امواج بیداری اسلامی به یمن در اوایل سال ۲۰۱۱، این کشور با فشارهای متعدد و متقابلاً تقویت‌کننده‌ای مواجه بود که آن را به سمت فروپاشی سوق می‌داد. دلایل زیادی وجود دارد که به تشدید اعتراضات در یمن و تقاضای تغییر در پرتو موجی که به کشورهای عربی هجوم آورده است و به آن «بیداری اسلامی» می‌گویند، منجر شد که می‌توان به شرح ذیل به آن‌ها اشاره کرد:

دلایل سیاسی

آشفته‌گی سیاسی یمن قبل از سال ۲۰۱۱ چیز جدیدی نبود. در حالی که جمهوری یمن براساس یک نظام سیاسی چندحزبی تأسیس شده است، علیرغم حضور احزاب سیاسی مخالف حزب حاکم به ریاست صالح و حضور بخش مدنی فعال، هیچ تضاد یا چالش واقعی برای قدرت تثبیت شده رژیم چه از طرف احزاب موجود یا بخش غیردولتی در ظاهر وجود نداشت (Durac, 2012: 135). باین حال برخی عوامل نابسامانی سیاسی در یمن را تشدید کرد:

(۱) تمایل رژیم به اصلاح قانون اساسی: اظهارات برخی از مقامات دولتی وفادار به رژیم باعث شد که صالح قصد جدی برای انجام اصلاحات قانون اساسی داشته باشد که به رئیس‌جمهور اجازه می‌داد تا زمانی که پسرش پس از او جانشینش شود، در سمت خود باقی بماند که این مسئله باعث نارضایتی و مخالفت‌های گسترده در اواخر سال ۲۰۱۰

شد. در نتیجه، جنبش اعتراضی در یمن در سال ۲۰۱۱ آغاز شد و تظاهرکنندگان علیه پیشنهاد اصلاح قانون اساسی به‌عنوان انگیزه اصلی علاوه بر انباشته شدن انبوهی از دلایل دیگر، مخالفت کردند (Ghobari & Sudam, 2011).

۲) خشونت ظالمانه رژیم‌ها علیه معترضان؛ این یکی از عوامل مهمی است که در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. نقض گسترده حقوق بشر، فقدان آزادی بیان، کنترل کامل بر رسانه‌ها و آزار و اذیت مداوم علیه روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر عوامل اصلی انقلاب‌های عربی بودند که در سال ۲۰۱۱ به وجود آمدند (Engin, 2011). به دلیل خشونتی که برای سرکوب تظاهرات به کار گرفته شد، تعدادی از مقامات برجسته دولت یمن استعفا دادند. استفاده از خشونت رژیم علیه تظاهرکنندگان باعث شد که احزاب مخالف اعلام کنند به دلیل حملات علیه تظاهرکنندگان نمی‌توانند با رژیم مذاکره کنند. آن‌ها همچنین از هواداران خود خواستند به تظاهرکنندگان بپیوندند.

۳) نبود ارتش ملی: یکی از مشکلات یمن، نبود ارتش ملی بود؛ بنابراین وفاداری نیروهای ارتش یا به شخص خاص یا براساس روابط خانوادگی بود به‌گونه‌ای که گارد ریاست جمهوری بر عهده احمد پسر علی عبدالله صالح و سازمان امنیت مرکزی نیز بر عهده یحیی برادرزاده‌اش بود. بدین ترتیب علی عبدالله صالح، جهت دفاع و امنیت، پست‌های استراتژیک و کلیدی ارتش را به نزدیکان خود سپرد تا بر این اساس اقتدار خود را حفظ کند (Ramadhan, 2017).

۴) فساد گسترده در اداره دولت: درخواست‌های مردمی برای برکناری همه نزدیکان رئیس‌جمهور علی عبدالله صالح از سمت‌های رهبری در نهادهای نظامی، امنیتی و دولتی افزایش یافته بود. احزاب مخالف، رئیس‌جمهور را به خاطر انتصاب ۲۲ نفر از پسران، بستگان و اهالی روستای خود در پست‌های مهم امنیتی و ارتش از جمله گارد ویژه، گارد جمهوری، نیروی هوایی، نیروی دریایی، پدافند هوایی، لشکر یکم زرهی و گارد مرزی، علاوه بر امنیت مرکزی، امنیت ملی، فرماندهی قرارگاه و مناصب اداری متهم می‌کردند (Al-Tamimi & Venkatesha, 2020: 61).

علاوه بر موارد فوق، یمن قبل از سال ۲۰۱۱، درگیر طیفی از درگیری‌های سیاسی دیگری نیز بود. منابع اصلی تنش و خشونت شامل گرایش‌های جدایی طلب و خودمختار؛ جنگ داخلی

مداوم در شمال از سال ۲۰۰۴ با حوثی‌ها؛ حضور القاعده؛ فرهنگ محافظه‌کار با وابستگی‌های قوی قبیله‌ای که به شدت در برابر قدرت مرکزی مقاومت می‌کرد و تکثیر سلاح‌های سبک که در مجموع، باعث شده بود وضعیت یمن تا سال ۲۰۱۱ بسیار وخیم باشد. با گسترش موج قیام‌ها در خاورمیانه به یمن، سطوح بالایی از بی‌ثباتی و خشونت به اوج رسیده بود و تهدیدی برای تسریع حرکت مداوم این کشور به سوی فروپاشی بود (Juneau, 2013: 408).

دلایل اجتماعی-اقتصادی:

دلایل وقوع انقلاب یمن تنها سیاسی نبود، بلکه دلایل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی وجود داشت که دلیل اصلی حضور جوانان در انقلاب علیه رژیم بود:

(۱) شرایط بد اقتصادی و اجتماعی: بیکاری، فقر، نبود خدمات بهداشتی، نرخ بالای بیسوادی، سوءتغذیه و فساد بخشی از مشکلات موجود در این زمینه بود که روزبه‌روز در حال تشدید بود. براساس اطلاعات موجود نرخ بیکاری حداقل ۳۵ درصد بود، ۱۲ درصد از «کمبود مواد غذایی» رنج می‌بردند، حدود ۴۰ درصد از جمعیت بیست و سه میلیون نفری کشور زیرخط فقر (کمتر از دو دلار در روز) زندگی می‌کردند و درصد زیادی از ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی محروم بودند (Kabbani & Kothari, 2005).

(۲) کاهش منابع نفت و آب: نفت منبع اصلی نظام است، زیرا بخشی از آن به منظور حفظ شبکه حامی-پیرو و یارانه ایجادشده توسط رژیم صالح کنترل می‌شد و بخشی دیگر در چارچوب بودجه عمومی دولت است. ذخایر نفت به سرعت در حال کاهش است درحالیکه تا سال ۲۰۱۰ تقریباً سه چهارم درآمد دولت را تأمین می‌کرد و ممکن است ظرف یک دهه تمام شود (Juneau, 2013: 407). در همین حال، ذخایر آب زیرزمینی این کشور رو به اتمام است و برخی نشان می‌دهند که صنعا می‌تواند به اولین شهر جهان تبدیل شود که با کمبود آب مواجه می‌شود (Durac, 2010; Fattah, 2011).

(۳) انفجار جمعیتی: نرخ رشد جمعیت سالانه در یمن حدود ۳/۲ درصد است درحالیکه منابع طبیعی انسانی و دولتی این کشور محدود بوده و تاب تحمل چنین رشد جمعیتی را ندارد. این مسئله می‌توانست باعث دو برابر شدن جمعیت کشور به مرز پنجاه میلیون

نفر تا سال ۲۰۵۰ شود (Juneau, 2013: 407).

۴) نقش برجسته رسانه‌های اجتماعی: رسانه‌های اجتماعی نقش عمده‌ای در ارتقای توانایی تماس و تعامل میان شرکت‌کنندگان در اعتراضات سیاسی داشته‌اند. تظاهرکنندگان به‌منظور هماهنگی راهپیمایی‌ها، اطلاع‌رسانی درباره اقدامات آن‌ها و افزایش آگاهی محلی و جهانی از رویدادهای جاری، از رسانه‌های اجتماعی استفاده کردند (Mour-tada & Salem, 2011). بسیاری از محققان استدلال کرده‌اند که در طول انقلاب‌های عربی، رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در «بسیج، توانمندسازی، شکل‌دهی نگرش‌ها و تأثیرگذاری بر پیشرفت» داشتند.

بر این اساس بود که در فوریه ۲۰۱۱ پس از آنکه حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر مجبور به استعفا شد، معترضان در یمن به‌طور گسترده در خیابان‌های صنعا و دیگر شهرها سرازیر شدند. به‌تدریج، ائتلافی سست و ناپایدار از معترضان با انواع نارضایتی‌ها از جمله سازمان‌های جامعه مدنی، جوانان ناراضی، قبایل شمالی و جنوبی تشکیل شد. در ۱۸ مارس، تک‌تیراندازان وابسته به دولت ۵۲ معترض غیرمسلح را کشتند و صدها نفر را زخمی کردند و مخالفان صالح را برافروختند. ظرف چند روز، رژیم متحمل موجی از انحرافات از جمله از درون حزب حاکم و دستگاه دیپلماسی شد. به‌طور قابل‌توجهی، بیش از ده‌ها فرمانده ارشد نظامی و شخصیت‌های کلیدی قبیله‌ای نیز صالح را رها کردند. در ماه آوریل، شورای همکاری خلیج‌فارس به رهبری عربستان سعودی و با حمایت ایالات متحده، توافقی را پیشنهاد کرد که به‌موجب آن صالح در ازای مصونیت خود و خانواده‌اش، قدرت را ظرف ۳۰ روز به منصورالهادی معاون رئیس‌جمهور خود منتقل کند (Juneau, 2013: 409). اگرچه احزاب اصلی مخالف با این ترتیبات موافقت کردند، اکثر معترضان خیابانی بند مصونیت را محکوم کردند و خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط صالح شدند. اعتراضات ادامه یافت و در ماه مه به اوج خود رسید، در روزهای بعد، شمال صنعا به یک منطقه جنگی تبدیل شد و حداقل ۱۰۰ کشته و ۴۰۰ زخمی داشتند. تنش در ۳ ژوئن زمانی به اوج خود رسید که انفجار در مسجدی در محوطه ریاست جمهوری منجر به کشته یا معلولیت چندین مقام ارشد شد. صالح با سوختگی شدید و اصابت ترکش برای مداوا به عربستان سعودی منتقل شد. در حالی که به نظر می‌رسید که حکومت صالح در حال پایان یافتن است، حلقه درونی او - که توسط پسرش و سه برادرزاده‌اش که کنترل نهادهای کلیدی نظامی و

امنیتی را در دست داشتند- رهبری می‌کردند - از استعفا خودداری کردند. خشونت‌های که نیروهای وفادار را در برابر نیروهای جدا شده و شبه‌نظامیان قبیله‌ای متحد با مخالفان قرار می‌داد، در طول تابستان ادامه داشت و اوج دیگری از نبردها در سپتامبر بود (Juneau, 2013: 410).

در ۲۳ سپتامبر، صالح به صنعا بازگشت. او حمایت خود از پیشنهاد شورای همکاری خلیج فارس را تکرار کرد اما برای اجرای آن تلاش چندانی نکرد. این در حالی بود که در ۲۱ اکتبر شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه‌ای را در تأیید این توافق به تصویب رساند. در همین حال، خشونت در ماه‌های اکتبر و نوامبر در سراسر کشور ادامه یافت. تنش در شمال و جنوب همچنان بالا بود، در حالی که مناطق بیشتری از حومه شهر از کنترل مرکزی خارج شدند. تا نوامبر، پیش‌بینی‌های طولانی مدت نزول قریب‌الوقوع یمن در هرج و مرج نزدیک‌تر به تحقق می‌رسید. صالح با درک اینکه گزینه‌هایش در حال محدود شدن و تحت فشار دو حامی اصلی خارجی اش، ایالات متحده و عربستان سعودی است، تسلیم شد و با پیشنهاد شورای همکاری خلیج فارس موافقت کرد (Juneau, 2013: 411) و این به معنای پایان حاکمیت ۳۳ ساله وی بود.

انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر هویت خواهی شیعیان یمن

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران روح امید تازه‌ای بر مسلمانان جهان و به‌ویژه شیعیان دمیده شد. این انقلاب از یک طرف به نظام استبدادی ۲۵۰۰ ساله پادشاهی ایران پایان داد و از طرف دیگر نظامی جمهوری را جایگزین نظام پادشاهی کرد که روح اسلامی آن باعث تفاوت و تمایز محتوایی آن با دموکراسی غربی شد؛ بنابراین آرمان‌های متعالی این انقلاب همچون برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌پذیری، عدالت خواهی، حمایت از مستضعفان، محرومان و نهضت‌های آزادی‌بخش، مبارزه با استکبار و مردم‌سالاری دینی توانست توجه بسیاری از ملت‌ها به‌ویژه در جهان اسلام را به خود جلب کند. انقلاب اسلامی با رویکرد ایدئولوژیکی خود توانست جریان‌های محافظه‌کار اسلامی را به جریان‌های انقلابی تبدیل کرده و به ایجاد موج بیداری اسلامی منجر سازد (شکرزاده چهاربرج و جعفری‌فر، ۱۳۹۹: ۳).

با فراگیری موج بیداری اسلامی و نیز خیزش انقلابی شیعیان یمن و تاسی گرفتن از مکتب امام حسین (ع) و حرکت استکبارستیزی انقلاب اسلامی، ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام

به‌عنوان الگویی پیش روی انقلابیون این کشور قرار گرفت. یکی از گروه‌های فعال حاضر در انقلاب یمن که از گذشته‌های دور همواره با دولت یمن درگیر بوده و در اعتراضات و خیزش‌های اخیر یمن نیز یکی از نیروهای اصلی انقلاب یمن به شمار می‌رود، جنبش الحوثی است (خواججه‌سروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۱۸۷) که بسیار تحت تأثیر شخصیت امام (ره) و انقلاب اسلامی قرار گرفتند. حوثی‌ها گروهی شیعه در شمال یمن هستند که مقرر اصلی فعالیت آن‌ها استان صعده است. به سبب انتساب به حسین حوثی به حوثی‌های یمن نیز مشهور هستند. جنبش الحوثی در گذشته در قالب تشکیلاتی با نام سازمان جوانان مؤمن (الشباب المؤمن) فعالیت می‌کرد. این جنبش در زمان رهبری عبدالملک حوثی با پذیرش عمومی مردم یمن روبرو شدند و به جنبشی فراگیر در یمن تبدیل شدند. روابط آن‌ها با دولت یمن تا سال ۲۰۰۳ خوب بود و حتی در جنگ تجزیه سال ۱۹۹۴ از دولت یمن حمایت کردند و به مبارزه با تجزیه‌طلبان پرداختند؛ اما با گذشت زمان دولت یمن نگران گسترش نفوذ و قدرت آنان در شمال کشور بود به همین سبب بارها از طرف ارتش یمن مورد سرکوب قرار گرفتند (خواججه‌سروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). با گسترش موج بیداری اسلامی، این جنبش با همراهی کمیته‌های مردمی برخی از مناطق و مراکز نظامی یمن را به کنترل خود در آوردند و به دنبال استعفای علی عبدالله صالح و انحلال پارلمان این کشور در سال ۲۰۱۵ مسئولیت دولت انتقالی را بر عهده گرفتند که با مخالفت عربستان سعودی روبه‌رو شدند. عربستان با نامشروع خواندن حاکمیت سیاسی آن‌ها و حمایت از بازگشت منصور هادی به قدرت، به یمن حمله کرد که ضمن کشته و زخمی شدن هزاران نفر بسیاری از زیرساخت‌های این کشور از بین رفت.

همان‌گونه که ذکر شد یکی از گروه‌های شیعی در یمن که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفتند جنبش الحوثی است. در واقع، هویت‌خواهی شیعیان یمن و به‌ویژه جنبش الحوثی ریشه در ساختار معنایی و نقش محتوایی انقلاب اسلامی که شامل عواملی چون احیای اسلامی، عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، بازتولید فرهنگ مقاومت و مقابله بانفوذ بیگانگان و سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

احیای اسلامی

بازگشت دوباره به اسلام اصیل و تفسیری تازه از آموزه‌های دینی همراه با الگوگیری از نهضت

خونین عاشورا در وقوع انقلاب اسلامی و پیروزی آن، نقش محوری و اساسی داشته است. انقلاب اسلامی با طرح دوباره آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و معنوی و دعوت دوباره برای بازگشت به تعالیم انبیاء الهی به‌ویژه اسلام اصیل، موجبات احیای فکر دینی و دین‌مداری و بازگشت دوباره بشریت به معنویت و خدامحوری و رشد احساسات هویت‌خواهی و پایبندی به ارزش‌های دینی در میان ملت‌های مسلمان را فراهم ساخته است (احمدی، ۱۳۸۵).

جنبش انصار الله یمن (جنبش الحوثی) از جمله گروه‌های شیعی هستند که تحت تأثیر احیاگری دینی انقلاب اسلامی قرار گرفتند. این نکته مهم را می‌توان در شخصیت حسین الحوثی و روحیه استکبارستیزی و دل‌باختگی وی به شخصیت والای امام خمینی^(ع) مشاهده کرد. وی همواره از امام به‌عنوان امامی متقی و عادل یاد می‌کرد و در رابطه با انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: هر کس که در مقابل انقلاب اسلامی ایران در زمان امام خمینی^(ع) ایستاد نتیجه این اقدام خویش را خواهد چشید. وی امام خمینی^(ع) را نمونه بارز «امام عادل لاترد دعوت» می‌دانست؛ یعنی امامی عادل که اطاعت از او واجب است. همچنین باید به نفوذ گسترده معنوی انقلاب اسلامی در میان شیعیان یمن به‌ویژه حوثی‌ها اشاره کرد که باعث نگرانی‌های عمیق عربستان سعودی شده است. این تأثیرگذاری با تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی و احیاگری دینی کاملاً آشکار هست (عزیزی، ۱۴۰۰).

بر این اساس است که بسیاری از تحلیل‌گران، خیزش‌های مردمی خاورمیانه و شمال آفریقا را ناشی از نفوذ قدرت نرم انقلاب ایران در این مناطق می‌دانند؛ زیرا موتور محرک خیزش‌های مردمی خاورمیانه را در احیای ارزش‌های اسلامی جستجو می‌کنند که ریشه در قدرت نرم مکتب اسلام، شریعت و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی^(ع) دارد که برگسترش و تعمیق اندیشه مقاومت در برابر استکبار تأکید فراوان دارد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۹).

عدالت‌طلبی

عدالت‌طلبی به‌عنوان جوهره و سنگ‌بنای انقلاب اسلامی از مقدس‌ترین ایده‌های اجتماعی اسلام، به‌ویژه مکتب تشیع و عصاره همه احکام و شرایع الهی و بلندترین مقصد انبیا و اولیاست (فخرزادع، ۱۳۸۸). مقام معظم رهبری عدالت را یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام می‌داند، «بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴». وی همچنین عدالت

اجتماعی را از اهداف جمهوری اسلامی می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: «ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۶). در رابطه با عدالت‌طلبی ملت‌های مسلمان نیز مقام معظم رهبری می‌فرماید: «این جنبش‌ها و انقلاب‌های منطقه... از یمن و بحرین بگیرد تا مصر و لیبی و تونس... همه این‌ها انگیزه‌شان بازگشت به عزت ملی و عدالت اجتماعی و آزادی و همه در سایه اسلام است. اینکه می‌گوییم بیداری اسلامی، این حرف پایه‌دار است، ریشه‌دار است. ملت‌های مسلمان عدالت را می‌خواهند، آزادی را می‌خواهند، مردم‌سالاری را می‌خواهند، اعتنای به هویت انسان‌ها را می‌خواهند؛ این‌ها را در اسلام می‌بیند، نه در مکاتب دیگر...» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴).

مبارزه با استبداد و استعمار

مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی از ویژگی‌های بنیادین انقلاب اسلامی هستند. استبداد و استعمار دارای روابط تنگاتنگی می‌باشند. پادشاهان و حکام مستبد آلت دست اربابان خود یعنی استعمارگران خارجی هستند. از آنجایی که حکام مستبد در داخل کشور خود فاقد مشروعیت هستند برای حفظ جایگاه و موقعیت خود وابسته به قدرت‌های خارجی هستند و قدرت‌های خارجی نیز تا آنجا از آن‌ها حمایت می‌کنند که منافع آن‌ها تأمین شود. قدرت‌های استعماری به شیوه‌های گوناگون حکام وابسته به خود در این کشورها را کنترل می‌کردند و سیاست‌های مدنظر خود را به آن‌ها دیکته می‌کردند.

حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای درباره شیوه‌های گوناگون استعمارگران برای کنترل حکومت‌ها در آسیا و آفریقا می‌فرماید: «اوایل، استعمار همین‌گونه بود؛ دولت‌های استعمارگر اروپایی کشورهای را در آسیا و آفریقا به‌زور می‌گرفتند، بعد یک حاکم نظامی را از طرف خودشان در آنجا می‌گذاشتند تا تمام کنترل منطقه در دست او باشد. در هند، استرالیا، کانادا، آفریقا و کشورهای متعدد همین کار را کردند. بعد از گذشت مدتی دیدند حاکم بیگانه نظامی را بر ملتی گماشتن خطا و غلط است، فرمول را عوض کردند، حکامی از خود آن کشورها می‌یافتند و نصبشان می‌کردند که صد درصد مطیع این‌ها باشند، کمکشان هم می‌کردند، امکانات هم می‌دادند، او هم کشور را برای چپاول استعمارگران راحت و آزاد می‌گذاشت و دروازه‌ها را باز

می‌کرد تا استعمارگران هر کار می‌خواهند، بکنند. یک دوره هم این‌گونه گذشت، که دیدند این هم درست نیست و اشتباه کرده‌اند؛ برای اینکه ملت‌ها علیه این حکام که هرچند وطنی و خودی به حساب می‌آیند، اما چون وابسته به آن‌ها هستند و مستبد و ظالم‌اند، قیام می‌کنند. بعد از این روش، از یک دورانی شروع کردند روش را عوض کردن؛ این شیوه، یک شیوه علی‌الظاهر دمکراتیک و با تسلط و سلطه فرهنگی بود که حاکمی را که طرفدار آن‌هاست، به اصطلاح خودشان انتخاب کنند. در ایران زمان طاغوت هم همین قضایا پیش آمد؛ اول انگلیسی‌ها «رضا پهلوی» را نصب کردند و سپس «محمد رضا» را، بعد دیدند مشکلات به وجود می‌آید، آمدند او را وادار کردند تا «علی امینی» را به عنوان نخست‌وزیر منصوب کند تا به اصطلاح اصلاحات کند. این دید که زمام کار از دست خودش در می‌رود، گفت خودم اصلاحات می‌کنم که آن اصلاحات، مواد شش‌گانه فصاحت آمیزی بود که در دوران طاغوت انجام گرفت. این تجربه‌های عمل شده استعمار در دوران‌ها و در مکان‌های مختلف دنیا است. این‌ها امروز به همان دوره اول استعمارگری برگشته‌اند؛ یعنی کشوری را با زور اسلحه بگیرند، بعد حاکمی از خودشان در آنجا بگمارند. کار بسیار عجیب، ارتجاعی، زشت، اهانت‌بار و حاکی از سرمستی و غرور است که این‌ها را با مغز به زمین می‌کوبانند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱/۲۲).

بررسی جریان بیداری اسلامی در یمن نیز بیان‌گر این واقعیت است که اعتراضات مردمی صورت گرفته در این کشور نیز در برابر استعمار خارجی و استبداد داخلی بوده است. بر این اساس بود که حوثی‌های یمن، دولت علی عبدالله صالح را وابسته به غرب می‌دانستند و خواهان استعفای وی شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بازتولید فرهنگ مقاومت بر مبنای جامع علوم انسانی

یکی از مؤلفه‌های اساسی در وقوع، تثبیت و استمرار انقلاب اسلامی ایران تکیه بر فرهنگ مقاومت است. فرهنگ مقاومت به معنای نهادینه بودن پایداری و ایستادگی در سطوح و اجزای فرهنگ یعنی باورها، ارزش‌ها و رفتارها در برابر تغییر و نفوذ فرهنگ بیگانه و مقابله با فرهنگ سلطه است. از منظر اسلامی نیز فرهنگ مقاومت به معنای مجموعه شیوه‌های زندگی مردم که با الهام از آموزه‌های اسلامی، بر ثبات قدم و ایمان به داشته‌های بومی و دینی خود تأکید دارند و با استواری و ایستادگی و مقاومت، ثبات این شیوه‌ها را تضمین نموده و به یک فرهنگ و

شیوه زندگی عمومی در میان خود تبدیل می‌نمایند و با پافشاری به داشته‌های بومی و دینی خود، به مقابله بانفوذ شیوه‌های غیربومی و مخصوصاً شیوه‌های منحط و مبتذل غربی می‌پردازند (قهرمانی سفیده خوان، ۱۳۹۶: ۵۴).

انقلاب اسلامی ایران از زمان وقوع خود تا امروز، از طرف دشمنان خود در سطوح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحت فشار قرار گرفته است. این فشارها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و باهدف ساقط کردن نظام انقلابی یا حداقل ایجاد تغییر در رفتار مسئولان نظام صورت گرفته است. مؤثرترین مؤلفه برای تقابل با این هجمه‌های همه‌جانبه، ایجاد فرهنگ مقاومت بوده است (حسن‌زاده و جباری، ۱۳۹۸: ۱).

بررسی حیات ۴۳ ساله انقلاب اسلامی نشان می‌دهد هر جریانی که براساس آموزه‌های مقاومت اسلامی شکل بگیرد، می‌تواند چالش‌های جدی در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه‌گر به وجود آورد. این ویژگی را به‌صورت بارزی می‌توان در فرهنگ مقاومت مردم ایران در برابر زیاده‌خواهی و تحریم‌های اقتصادی و سیاسی امریکا و غرب مشاهده کرد. مقاومت جنبش انصار الله در یمن در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های غربی و منطقه‌ای و در رأس آن‌ها عربستان سعودی در این راستا قابل ارزیابی است.

مقابله بانفوذ بیگانگان

حضور نیروهای بیگانه در صحنه تحولات سیاسی-اجتماعی هر کشوری خواه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، دوستانه یا خصمانه و یک‌طرفه یا دوطرفه، امری طبیعی است (لک‌زایی، ۱۳۸۳). البته این مسئله تا حدودی متأثر از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشورها هست. در این میان، ایران نیز به خاطر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آن، یک مرکزیت ژئواستراتژیک برای منطقه و جهان محسوب شده (کریمی، ۱۳۹۴: ۳۰) و در طول تاریخ همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. نگاهی به تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که از دوره قاجاریه تا انقلاب اسلامی، ایران همواره شاهد حضور و نفوذ و مداخله گاه و بیگاه بیگانگان به‌ویژه روسیه، انگلیس و امریکا بوده و پادشاهان قاجار و پهلوی اغلب برای حفظ تاج و تخت خود به آن‌ها متوسل شده‌اند.

وقوع انقلاب اسلامی، به گونه‌ای اساسی ورق را برگرداند و نه تنها حضور مداخله‌جویانه

بیگانگان را پایان بخشید بلکه ایران را به‌عنوان محور تحولات منطقه‌ای و یکی از مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل مطرح ساخت (لک‌زایی، ۱۳۸۳). در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ما ایرانی‌ها در طول تاریخ طولانی خودمان دوران‌های متفاوتی را گذرانده‌ایم... در دوران طولانی دویست‌ساله منتهی به انقلاب، ما یک دوران سخت تاریک ذلت را گذرانیدیم... در حوزه سیاست، یک ملت منزوی بودیم؛ در فعل و انفعالات منطقه خودمان - چه برسد به فعل و انفعالات جهان - هیچ تأثیری نداشتیم؛ در این دوران دویست‌ساله، استعمار به وجود آمد. دولت‌های مستعمره از اقصی نقاط عالم به منطقه ما آمدند... منابع ثروت ملت‌ها را غارت کردند... در حوزه اقتصاد، وضع ما روز به روز به طرف انحطاط بیشتر حرکت می‌کرد؛ در حوزه علم و فناوری، به کلی عقب مانده بودیم؛ در سیاست داخلی خودمان، دستخوش سیاست‌های بیگانگان بودیم. استعمارگرها، قدرت‌های مسلط دنیا، بر روی حکومت‌های ما اثر می‌گذاشتند؛ آن‌ها را به این طرف و آن طرف می‌کشاندند، به آن‌ها تحمیل می‌کردند، از آن‌ها کار می‌کشیدند؛ و دولت‌های ما، پادشاهان ما، قدرت‌های مسلط ما، هیچ عکس‌العمل شایسته انسانی افتخارآمیزی از خودشان نشان نمی‌دادند. حتی در زمینه حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ حاکمیت دولت‌ها، ضعف خجالت‌آوری را در این دوران دویست‌ساله مشاهده و تجربه کردیم. در همین دوران دویست‌ساله است که معاهده ذلت‌بار ترکمانچای و قبل از آن، معاهده گلستان اتفاق افتاد؛ در همین دوران دویست‌ساله بود که آمدند بوشهر ما را اشغال کردند، بدون کمترین مقاومتی از سوی دولت و دولتی‌ها. در همین دوران بود که یک دولت بیگانه آمد در قزوین اردوی نظامی زد و دولت مرکزی تهران را تهدید کرد که باید فلان کار را بکنید، فلان اقدام را بکنید، فلان کس را بیرون کنید، والا به تهران حمله می‌کنند... در همین دوران بود که دولت انگلیس آمد حکومت پهلوی‌ها را در ایران به وجود آورد؛ رضاخان را انتخاب کردند... و همه امور را به دست او دادند... در همین دوران بود که قرارداد ننگین ۱۲۹۹ - ۱۹۱۹ میلادی - اتفاق افتاد؛ که بر طبق این قرارداد، اقتصاد کشور به دست بیگانه می‌افتاد و سیاست کشور و اقتصاد کشور یک‌باره در اختیار دشمنان ایران قرار می‌گرفت. در همین دوران بود که رئیس سه کشور - که متحدین جنگ بودند - ... روزولت، چرچیل و استالین به میل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکیل دادند؛ نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرنامه‌ای نشان دادند... ببینید ذلت یک دولت مرکزی که سرریز می‌شود بر روی مردم تا کجاها منتهی می‌شود؟ این، حضيض ذلت یک حکومت و یک ملت

است. این، مال دوران دو‌یست‌ساله ماست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

نگاهی به اقدامات جنبش انصار الله یمن به خوبی نشان می‌دهد که با تکیه بر همین خصلت بیگانه‌ستیزی در میان آن‌ها که متأثر از انقلاب اسلامی ایران بوده است توانسته است تا امروز در مقابله با زورگویی‌های عربستان سعودی و قدرتهای غربی مقاومت کند و آن‌ها را از رسیدن به اهداف خود ناامید کند.

نتیجه‌گیری

انقلاب یمن به صورت اعتراضی مسالمت‌آمیز شروع شد تا اینکه با یک رویارویی مسلحانه مواجه شد که منجر به جنگ داخلی شد که حتی پس از نه سال نیز ادامه دارد. در پی این اعتراضات تعدادی زیادی جان خود را از دست دادند اما در نهایت منجر به برکناری رئیس‌جمهور علی عبدالله صالح شد. جوانان یمن اعتراضات خود را در صنعا در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۱ به‌عنوان نارضایتی از بیکاری، رکود اقتصادی، فساد و قصد دولت برای تغییر قانون اساسی، شیوع بسیاری از بیماری‌ها و ناتوانی دولت در درمان این بیماری‌ها آغاز کردند.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بیداری اسلامی در یمن به‌عنوان یک جنبش مسالمت‌آمیز و متأثر از آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران آغاز شد که در نتیجه رنج سال‌ها مردم یمن از یک رژیم طایفه‌ای دیکتاتوری که برای تضمین تداوم رژیم خود با کارت قبیله‌ای بازی می‌کرد، رخ داد. آموزه‌های انقلاب اسلامی، جوانان یمن را که مدت‌ها به حاشیه رانده شده بودند، نیروبخشید و جنبش‌های اجتماعی جنوبی را که زمانی پر جنب‌وجوش بودند، به صحنه بازگرداند. یکی از گروه‌های شیعی در یمن که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت جنبش الحوثی است. در واقع، هویت‌خواهی شیعیان یمن و به‌ویژه جنبش الحوثی ریشه در ساختار معنایی و نقش محتوایی انقلاب اسلامی ایران دارد که در عواملی چون احیای اسلامی، عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، بازتولید فرهنگ مقاومت و مقابله با نفوذ بیگانگان خود را نشان داد. متأثر از همین آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران است که شیعیان یمن هویت خود را بازیافتند و تا امروز توانسته‌اند در مقابل مداخله نظامی به رهبری عربستان سعودی و حمایت کشورهای غربی مقاومت کنند. بدون تردید مقاومت اسلامی مردم یمن در مقابل زیاده‌خواهی بیگانگان می‌تواند در آینده همانند انقلاب اسلامی ایران الگو و سرمشقی برای کشورهای منطقه و دیگر جنبش‌های اسلامی در سراسر دنیا باشد.

منابع

۱. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۵). انقلاب اسلامی احیاگر ارزش‌های دینی، فصلنامه پیام، شماره ۸۱، ص ۸۰-۵۴.
۲. اخوان کاظمی، مسعود؛ شکرانه ارزنقی امید (۱۳۹۹). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۶۱، ص ۶۶-۴۹.
۳. اطهری، سید حسین؛ کشاورز، حمیدرضا؛ راعی، فهیمه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اخیر خاورمیانه با تأکید بر مفهوم اشاعه نظریه سازه‌انگاری، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره پنج و شش، ص ۱۱۴-۹۳.
۴. پرتویی، اصغر؛ عیوض زاده عاملی، حسن؛ موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اخیر خاورمیانه، اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، رودهن.
۵. پورقیومی، ایوب (۱۳۹۴). نقش عوامل ژئوپلیتیکی بر بیداری اسلامی، فصلنامه علمی امنیت ملی، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۱۷۰-۱۴۵.
۶. تلاشان، حسن؛ نصر دهنزیری، الماس (۱۳۹۳). تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، شماره ۴، ص ۷۶۲-۷۴۳.
۷. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه). پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۸۶-۶۱.
۸. حسن زاده، محمد؛ جباری، حسن (۱۳۹۸). فرهنگ مقاومت و بایسته‌های دفاعی امنیتی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اولین همایش سراسری قدرت نرم انقلاب اسلامی با محوریت «چهار دهه مقاومت و بایسته‌های فرهنگی گام دوم انقلاب اسلامی»، تهران.
۹. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۸۳/۳/۱۴). مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) [سخنرانی].

۱۰. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۱/۳/۱۴). مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=۱۹۹۹۶&tid=۱۳۴۹&year=۱۳۹۱&nt=۲>
۱۱. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۸۲/۱/۲۲). خطبه‌های نماز جمعه تهران [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۳۹۹۹>
۱۲. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۸۳/۸/۶). دیدار با کارگزاران نظام [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=۱۳۸۳&tid=۳۲۵۶&year=۱۳۸۳>
۱۳. رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۸). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های بیداری اسلامی با تأکید بر مفهوم اشاعه سازه‌انگاری، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۸، شماره ۱، ص ۷۴-۵۱
۱۴. سوری، فرشته؛ احمدی، زهرا (۱۳۹۲). نقش انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی، اولین کنفرانس بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، رودهن
۱۵. شکرزاده چهاربرج، رضا؛ جعفری فر، احسان (۱۳۹۹). بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، دوره اول، شماره ۲، ص ۲۱-۱
۱۶. صابری، محمد مهدی (۱۳۹۷). بررسی نقش الگویی انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی، فصلنامه گفتمان اندیشه، دوره ۱، شماره ۱، ص ۲۰-۴
۱۷. عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱). بازتاب‌های معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۱، شماره ۶۲، ص ۱۴۰-۱۱۳
۱۸. عباسی، مجید؛ گلچین، سعید (۱۳۹۴). انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت یابی تا بیداری، مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۱۸، شماره ۹، ص ۱۰۲-۶۹.
۱۹. عزیزی، احسان (۱۴۰۰). وعده نصر/ گفتاری درباره جنبش انصار الله یمن، برگرفته از سایت: <https://www.atna.ir/fa/news/۲۸۶۹۴۵/>
۲۰. فخرزراع، سیدحسین (۱۳۸۸). عدالت؛ جوهره انقلاب اسلامی، فصلنامه زمانه، شماره ۸۴ و ۸۵
۲۱. الفی، محمدرضا (۱۳۹۶). تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در پایداری و پویایی فرآیند

- تکاملی بیداری اسلامی و تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه. فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۳، ص ۴۳-۶۷
۲۲. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸). تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در یمن بر اساس نظریه پخش، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۱، ص ۱۶۹-۱۹۰
۲۳. قهرمانی سفیده‌خوان، وحید (۱۳۹۶). مؤلفه‌های فرهنگ مقاومت از منظر اسلامی و راهکارهای ترویج آن در رسانه ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، دانشکده دین و رسانه.
۲۴. کریمی، سحر (۱۳۹۴). جایگاه منطقه‌ای ایران پس از جنگ سرد، ماهنامه پژوهش ملل، شماره دوره اول، شماره ۲، ص ۳۰-۴۵
۲۵. لک زایی، نجف (۱۳۸۳). تاریخ معاصر: لیست سیاه بیگانگان: مروری بر چگونگی نفوذ و دخالت دولت‌های خارجی در تحولات سیاسی ایران معاصر، ماهنامه زمانه، شماره ۲۲، ص ۲۹-۳۷
۲۶. مشهودی، علی؛ محمودزاده، فاطمه؛ فلاح، محمد (۱۳۹۷). بررسی آثار انقلاب اسلامی ایران بر موج سوم بیداری اسلامی (مطالعه موردی مصر و یمن)، تاریخ‌نامه انقلاب، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ص ۹-۳۱
۲۷. ناظمی اردکانی، مهدی؛ نجات پور، مجید (۱۳۹۴). الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به جنبش بیداری اسلامی خاورمیانه، تهران: آثار فکر
28. Al-Tamimi, A. A. A., & Venkatesha, U. (2020). Arab Spring in Yemen: Causes and Consequences. *Shodh Sarita*, 7(28), 59-63.
29. Ansani, A., & Daniele, V. (2012). About a revolution: The economic motivations of the Arab Spring. *International Journal of Development and Conflict*, 2(03), 1250013.
30. Benkirane, R. (2012). The Alchemy of Revolution: The Role of Social Networks and New Media in the Arab Spring. *GCSP Policy Paper*, 7(1).
31. Campante, F. R., & Chor, D. (2012). Why was the Arab world poised for revolution? Schooling, economic opportunities, and the Arab Spring. *Journal of Economic Perspectives*, 26(2), 167-88.

32. Durac, V. (2012). Entrenching authoritarianism or promoting reform? Civil society in contemporary Yemen. In *Civil Society Activism Under Authoritarian Rule* (pp. 151–173). Routledge.
33. Engin, K. (2011). The Arab Spring: The 5.0 Democracy Wave. *Hürriyet Daily News*.
34. Ghobari, M., & Sc Sudam, M. (2011). Update 1-Protests erupt in Yemen, President offers reform. Reuters. Retrieved from.
35. Gire, S. (2017). The role of social media in the Arab Spring. *Pangaea Journal*, 1-10.
36. Hill, G., Salisbury, P., Northedge, L., & Kinninmont, J. (2013). Yemen: corruption, capital flight and global drivers of conflict. Chatham House.
37. Juneau, T. (2013). Yemen and the Arab Spring: elite struggles, state collapse and regional security. *Orbis*, 57(3), 408–423.
38. Kronenfeld, S., & Guzansky, Y. (2014). Yemen: a mirror to the future of the Arab Spring. *Military and Strategic Affairs*, 6(3), 79–99.
39. Norris, P. (2012). Political mobilization and social networks. The example of the Arab spring. *Electronic democracy*, 53–76.
40. Ramadhan, R. B. (2017). Yemen, Arab Spring and An Endless Civil War.
41. Wolfsfeld, G., Segev, E., & Sheafer, T. (2013). Social media and the Arab Spring: Politics comes first. *The International Journal of Press/Politics*, 18(2), 115–137.
42. Zakaria, F. (2012). A region at war with its history. op: [http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171\(2111248\),00](http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171(2111248),00).